

سخنرانی داکتر رسول رحیم

در کنفرانس

" نقش رسانه ها در تفاهم منطقه پی "

یادداشت: کنفرانس " نقش رسانه ها در تفاهم منطقه پی"، به روز های 20 و 21 قوس 1392 در شهر کابل به میزبانی مدیوتیک افغانستان با اشتراک بیش از 80 ژورنالیست از کشورهای افغانستان، تاجیکستان و پاکستان برگزار شد. " تفاهم و همگرایی منطقه پی، مولفه ها و لازمه های آن" عنوانی بود که می بایست داکتر رسول رحیم در زمینه روشنی بیاندازد. اینک متن آن سخنرانی تقدیم می شود. (گفتمان)

تفاهم و همگرایی منطقه پی، مولفه ها و لازمه های آن

از مدیوتیک افغانستان سپاسگزارم که با برجسته ساختن "تفاهم و همگرایی" منطقه پی، پیشاپیش نیاز به همکاریهای منطقه پی را امر بدیهی شمرده است. در یک مباحثه گفتمانی Discursive Discussoin در مورد منطقه پی فکر کردن و منطقه پی عمل کردن Regionaliztion ما ناگزیر خواهیم بود به واژه های فنی روی آوریم و به اصطلاح با زبان اختصاصی موضوع، پرده از وجوه درهم پیچیده آن برداریم.

دست کم از نیمه های سالهای 80 به این سو افغانستان و برخی از کشورهای هم منطقه ما در آسیای جنوب غربی و آسیای مرکزی عضو سازمانهای منطقه پی مانند " سارک" و "ایکو" بوده اند. تمایل دولت افغانستان به داشتن نقش موثر تر در "سازمان همکاریهای شانگهای" نیز روشن است. طرحهای همکاری های منطقه پی مانند "راه ابریشم" و "قلب آسیا" برسر زبانها می باشند. گرایشهای تاریخی- فرهنگی ای نیز جسته و گریخته از طرحهای منطقه پی سخن به میان می آورند. جنبشهای منطقه پی غیر دولتی در عرصه های مختلف از جمله همایش های ژورنالیستان مثالهای دیگری از درک اهمیت منطقه پی فکر کردن و منطقه پی عمل کردن اند. آنچه بیشتر از همه فکر منطقه پی را تقویت می کند، معضلات کمرشکن اقتصادی و امنیتی است که بسیاری کشورهای این حوزه از آن رنج می برند و ظاهراً قادر به یافتن راه حلی برای آنها نمی باشند.

دیده می شود که ما با انبوهی از مسائل رو به رو هستیم که ایجاب پاسخهای قناعت بخش را می نمایند. این تنها مشکل ما نیست. از جنگ جهانی دوم به اینسو که طرحهای همکاریهای منطقه پی

نخستین بار در اروپا به میدان آمدند، تا امروز مباحثات بسیار تئوریک در این زمینه جریان دارند. از باز کردن تعریف "منطقه" گرفته تا هدفهای منطقه یی عمل کردن، منطقه سازی، منطقه سازان، چالش های نظام جهانی کلاسیک مبتنی بر دولت ملی با منطقه، چالش های منطقه یی شدن با جهانی شدن هرکدام نیازمند غور وکنگاش فراوان است.

در حالی که یافتن پاسخهای تا اندازه ای قناعت بخش ایجاب تحقیقات چندین رشته یی interdisciplinary را می کند، در این گفتار مختصر فقط در آمد فشرده یی بر این موضوع بوده و مسأله بیشتر در چهارچوب نقشهای مثبتی مورد نظر قرار می گیرد که برای همکاران دست اندر کار رسانه ها مفید باشد.

منطقه چیست؟

واژه منطقه Region در اساس ریشه لاتینی دارد و از فعل "ریگو" regio نشأت کرده است که معنای اصلی آن بیشتر "هدایت کردن" است. بعدها معنای "ریگیر" reger یا "حکمرانی" از این لفظ مستفاد می شد. پس معنای اصلی regio بیشتر به لفظ قدیمی انگلیسی حکومتداری governance مرتبط است، نه قلمرو جغرافیایی با مرزهای معین. بنابراین اصطلاح منطقه در زبانی که از آن ریشه گرفته است در معانی متعددی استعمال می شود. به طور مثال منطقه می تواند دلالت کند بر یک ساحه جغرافیایی، کنش متقابل اقتصادی، طرز اداره قانونی نهاد ها یا حکومتها ویا ویژگیهای اجتماعی و فرهنگی. تاجایی منطقه همیشه به قلمرو جغرافیایی ارتباط می داشته باشد ویا برخی خود ویژگیهای این قلمرو را با خود حمل می کند. مناطق می توانند بخشی از یک دولت واحد باشند ویا اینکه قلمروهای دولتهای متعدد را در برگیرند. مناطق می توانند از نگاه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بسیار مهم و متمشخص باشند ویا اینکه به کلی از نظر فرو افتاده باشند. مناطق می توانند بسیار خرد ویا بسیار بزرگ باشند. مناطق می توانند مرز بندی دقیق داشته باشند ویا اینکه مانند برخی حوزه های مرزی تعیین حدود شان دشوار باشد.

درکل باید گفت که مناطق موجودات طبیعی نیستند بلکه ساخته فکر و عمل انسانها در یک پروسه تاریخی- اجتماعی می باشند. از اینرو آسان ترین تعریف منطقه این نیست که بگوییم چه هست، بلکه بهتر آن است که بگوییم منطقه چه نیست. به طور مثال می توان گفت که منطقه یک دولت دارای حاکمیت نیست. اما تشکیل مناطق در بین دولتها صورت می گیرند. مناطق و دولتها از ازل وجود نداشته اند و محصول یک پروسه ایجاد اجتماعی مضاعف می باشند. یعنی نخست در افکار انسانها تصور یا تصویرمی شوند وبعدها با تاسیس نهاد ها ایجاد می گردند. درست همان طوری که نخست نقشه یک ساختمان تصور و تصویر می شود و بعداً آن ساختمان ایجاد می شود.

انگیزه ها وهدف های ایجاد مناطق

بسیاری منطقه سازی Region building را صرفاً یک اقتضای ناشی از جهانی شدن تصور می کنند و به تضاد های منطقه یی شدن Regionalization با جهانی شدن Globalization اعتنا نمی نمایند. عده ای نیز ناتواناییهای دولتها را در پاسخگویی به چالش های عصر که هنوز هم در چهارچوب کلاسیک نظام بین المللی قرن هفدهمی "ویست فالیایی" Westphalian عمل می کنند، عامل گرایش به منطقه یی اندیشیدن و عمل کردن می دانند. این درحالی است که منطقه یی عمل کردن خود در برخی موارد با

اقتدار دولتهای ملی دارای حاکمیت در تصادم قرار می گیرد. دامنه این بحث ها چنان گسترده هست و خوش بینی ها در مورد آینده منطقه یی شدن چنان مبالغه آمیز است که کسانی از منطقه یی شدن جهان در عصر جهانی شدن و مرگ دولتها سخن به میان آورده اند. گاهی هم واژه های ترکیبی جدیدی مانند "منطقویت" یا Regionhod ، منطقه بودن یا Regionality در بیان همچو دیدگاه هایی به کار برده می شوند. ناگفته پیداست که دل بستن به همچو نظرانی ممکن است درکارهای عملی منطقه سازی مایه گمراهی های خطرناکی شود.

در یک دید کلی تا اندازه ای میانه رو، به طور فشرده انگیزه منطقه یی فکر کردن و منطقه یی عمل کردن در سه نکته خلاصه می شود:

- 1- درهم جوشی یا ادغام منطقه یی در جهت ازبین بردن موانع اقتصادی
- 2- درهم جوشی یا ادغام منطقه یی برای برآوردن نیازها و فراهم ساختن کالاهای مورد احتیاج عامه مردم یا Public Goods
- 3- ادغام حاکمیت.

در یک نگاه دقیق برای شمار بیشتر کشورهای حوزه های آسیای مرکزی، آسیای جنوب غربی و آسیای جنوبی که می توان در یک طرح منطقه یی قبل از همه آنها را در نظر آورد، باید رکن اصلی ایجاد منطقه را در کنار سایرموارد هدفهای انکشافی تشکیل دهد.

بسیاری از کشورهای این منطقه به تنهایی در پاسخ گفتن به چالش های فقر روز افزون، ورشکستگی اقتصادی و مالی و بی ثباتی سیاسی ناشی از آن ناتوان اند. مردم به نان ، سرپناه، صحت ، تعلیم و تربیت و امنیت یعنی نیازهایی چشم دارند که اصطلاحاً به آن Public Goods گفته اند. تامین همین خواست ها و نیازهای عامه مردم است که اساس ملت شدن و شهروند بودن را به وجود می آورد. وپایگاه مشروعیت عملی دولتها به شمار می رود.

ازدیدگاه تاریخی نظام تجارت چندین جانبه Multilateral که تاکنون برجهان حاکم بوده است، برای شماری از کشورها موفقیت آمیز بوده است. با اینهم توافقات عمومی روی تعرفه و تجارت در انکشاف کشورهای فقیر غیر منصفانه، نامطمئن و غیر موثر ثابت شده است. بسیاری معتقد اند که سازمان تجارت جهانی در اختیار مشتکی از دارا ترین کشورهای جهان است که همه در پی افزودن هرچه بیشتر سودهای تجارتهای و تحکیم و توسعه مواضع نظامی شان به زبان کشورهای درحال انکشاف می باشند. بنابراین مبارزه طلبی های کنونی را نمی توان صرفاً به اتکای دولتهای ملی این کشورها پاسخ گفت. ترتیبات منطقه یی دسترسی به آن بازارهایی را ممکن می سازد که هیچگاه از طریق توافقات چندین جانبه تحقق پذیر نبوده است. بنابراین با ایجاد همکاریهای منطقه یی می توان از طریق اولویت قایل شدن به خواست های زیرین گام های استوارتری به سوی انکشاف متقابل کشورهای شریک گذاشت:

- ترغیب و تقویت دستاوردها در ساحه تجارت

- ترغیب و تقویت دستاورد ها در ساحه دانش
- حفظ صلح وامنیت
- تامین ثبات مالی
- جلوگیری از آلوده شدن محیط زیست
- جلوگیری از انتشار بیماریهای ساری.

امروز در سرتاسر جهان همکاریهای منطقه یی به طور فزاینده ای در حال تعمیم یافتن اند. این همکاریها شامل ترتیبات مختلف نهادی، از جمله سازمان های فراگیر منطقه یی، همکاری های منطقه یی در بخش ها یا سکتهورهای خاص، شبکه های منطقه یی، مشارکت های منطقه یی وغیره می باشند.

یکی از دلایل روی آوردن به همکاریهای منطقه یی فقدان مکانیسم های سیاسی در سطح بین المللی برای رفع معضلات موجود است. همکاریهایی که به این ترتیب ایجاد می شوند هم ناظر بر مشکلات منطقه یی اند وهم مشکلات جهانی را در نظر دارند.

انواع همکاریهای منطقه یی

شاید بنیادی ترین مشخصات میکانیسم های همکاریهای منطقه یی با دو وجه خاص دیگر بیشتر قابل درک گردند: یعنی اینکه یک بعدی اند یا چند بعدی، سازمان یافته اند ویا دارای ویژگیهای تشکیلاتی. در شکل یک بعدی همکاریهای منطقه یی، تمرکز بیشتر روی یک جنبه خاص یک سکتهور صورت می گیرد. مثلاً به تجارت یا ترانسپورت بیشتر توجه می شود ویا به وظیفه خاص مثلاً تمویل پروژه های انکشافی عنایت می شود. در شکل چندین بعدی مجموعه ای از همکاریها دست کم در دو بخش یا دوسکتهور مورد بحث اند.

موثریت همکاریهای منطقه یی

با آنکه ضرورت تفاهم و همکاریهای منطقه یی در حیاتی ترین زمینه های انکشاف کشورها تقریباً امر بدیهی ای شمرده می شود، چون درمقیاس تاریخی با طرحها وپروژه های در حال تکوینی سروکار داریم، صدور یک حکم نهایی در مورد موثریت قطعی آنها در قبال چالشهایی که جهان ما در کل با آن مواجه است، به دور از مشکلات نیست. دست کم در مورد موثریت قطعی دو پروژه همکاری منطقه یی که همه با آن آشنا هستیم، یعنی "سارک" و "ایکو" چیز بسیار قابل ذکری نداریم.

اتحادیه اروپا بهترین مثال است. در این شکی وجود ندارد که به مثابه یک سازمان همکاریهای منطقه یی ویک میکانیسم ادغام و درهمجوشی ملل اروپایی در این زمینه مباحثات وتحلیلهای کافی ای صورت گرفته است. بااینهمه به مشکل توافقی در مورد موثریت این نهاد برای پاسخ یافتن به همه چالشهایی وجود

دارد که در بین ملل تشکیل دهنده آن مطرح می باشند. بنابراین درحالیکه اتحادیه اروپا غالباً چون الگویی برای همکاریهای منطقه یی شمرده می شود، محتوای اهداف و موثریت آن عمیقاً مورد مناقشه قرار دارد. چنین واقعیتی در عین زمان کاملاً طبیعی نیز می باشد، زیرا اتحادیه اروپا یک پروژه سیاسی است، و ادعای موثریت آن وابسته به طرز درک تئوریک اش می باشد.

افزون براین ، ارزیابی موثریت باید در ارتباط با بافت خاص یک طرح یا پروژه همکاریهای منطقه یی صورت گیرد و در نتیجه پی بردن به موثریت و عدم موثریت آن فقط بر مبنای مطالعات و تحلیلهای تجربی صورت گرفته می تواند.

وقتی که از منطقه یی شدن سخن به میان می آوریم نمی توان سیستم دولتهای معاصر را که قانونمندیهای شان بیشتر محصول فرهنگ روابط بین الدول اروپایی در قرن هفدهم و معاهده "ویست فالیا" هست از دیده فروگذاریم. این سیستم با وجود اعتراف و به رسمیت شناختن حق حاکمیت دولتها، تساوی حقوقی دولتها واصل عدم مداخله یک دولت در امور داخلی دولتهای دیگر، پیشگام قریب 200 دولت ملی معاصر می باشد. بدون تردید این دولتها از لحاظ بزرگی، ثروت، قدرت و دست داشتن به میکانیسمهای حل منازعات شان در عرصه بین المللی با همدیگر برابر نیستند. جهانی شدن، انقلاب فن آوری معلوماتی و اصل حاکم روابط چندین جانبه فشارهای مضاعفی را بر این دولتها تحمیل می کنند.

نظام حاکم بین الدول در قرن هفدهم از دل تحولات عظیم اجتماعی و خواستههای متراکم اقتصادی و سیاسی دولتهای نیرومند زمانه سر برآورد. این نظام در آن عصر جولانگاه بالیدن گسترده ای در عرصه رقابت های جهانگشایانه داشت.

تحولات جدید بر سیستم بین الدول حاکم فشار وارد می کنند و رقابتهای جدیدی ظهور کرده اند. اینجا و آنجا گروه هایی از درون ملتهای معاصر و دولتهای ملی دوباره خود را کشف می کنند و این کشف دوباره قسماً به شکل منطقه یی اندیشیدن و منطقه یی عمل کردن نمایان می شود.

منطقه سازی تا جایی که به ابتکار دولتها بوده است، مشکلات کمتری خلق کرده است. با اینهم خود پروسه منطقه سازی هنوز مشتمل بر اشتباه است. گاهی هم بعید نیست شوربختیهای در سطح داخلی، با همسایگان و با کشورهای دیگر از آن متصور باشد.

منطقه سازان

باید گفت که منطقه ها بدون منطقه سازان به وجود آمده نمی توانند. منطقه سازان آن هایی اند که در مورد مناطق صحبت می کنند و نتایج این مباحثات را در نهاد ها متبادر و متجلی می سازند. عمده ترین منطقه سازان عبارت اند از دولتها و شهروندان این دولتها. همچنان موسسات پژوهشی و نهاد های جهانی در این جمله شامل اند. مناطق حتا خود شان می توانند منطقه ساز باشند.

سرانجام این ژورنالیستان اند که اطلاعات در این مورد را، یعنی معلومات موثق در مورد آرزوها، هدف ها و تحلیل ها را به جامعه انتقال می دهند. از آنجایی که مناطق ساخته اجتماعات بشری اند، عامل روانشناختی در تشکیل آنها از اهمیت بزرگی برخوردار است. در زمانه ما رسانه ها در تشکیل یک افکار عامه مساعد به نفع یک طرح، بیشتر از سایر نهاد های اجتماعی موثر اند. انتخاب این همایش ژورنالیستان برای پرداختن به چنین موضوع مهم و حیاتی خود بیانگر حد اعلاى پابندی به اصول حرفه یی و اخلاقی ژورنالیسم است و من به این مناسبت بهترین تبریکات و ستایش هایم را به جناب آقای حمید زاری مسئول مدیریت افغانستان، همکاران این نهاد خدمتگذار بشریت و همه همکاران عزیز شرکت کننده تقدیم می دارم.

کابل

20 قوس 1392

رسول رحیم